

زیر بناهای نظری روان شناسی اسلامی تاریخچه، راه دستیابی

Theoretical Bases of the Islamic School of Psychology

S.A. Hosseini, MD*

The hypothesis of this school can be summarized as follows:

1. A classic scientific approach, which believes anything that can be observed can come into the scientific field; and things which cannot be understood by the external sense cannot enter the scientific field, is not a realistic approach in understanding human nature. So, this approach needs to be corrected. Science can cover sensorial aspects and wisdom aspects of human beings.
2. There are relations between Divine religions and psychology. It seems that all Divine religions have been based on the Divine School of Psychology, and we can elicit the bases of this school from all the Divine religions. So, this approach is a vast field for coordination between Divine religions.
3. It can be confirmed although Islam is a school of psychology (Divine School of Psychology) with its special components.
4. The main approach of the Divine School of Psychology is a "realistic approach". So, we can say that the "realistic school of psychology" is synonymous to the Divine School of Psychology". The Divine School of Psychology is fully scientific. The scientific approach by the Islamic meaning is a realistic approach that covers sensorial and wisdom aspects of human beings.
5. The Divine School of Psychology can be presented as a critical, coordinative school of psychology that can coordinate between all schools of psychology (past, temporary and future). All instructions of Divine religions are to control passion and fortify consciences. In the above paper aspects have been confirmed in some detail.

*Prof. of Psychiatry, Mashhad Univ. of Medical Sciences.

Footnote: Presented in September 2002 at the workshop for Theoretical Views of the Islamic School of Psychology, The Research Center of Medical Sciences, Ministry of Health Iran.

مقدمه و بررسی وضع موجود

هرکدام از ما بسته به موقعیت های شغلی خود که روان پزشک، روان شناس یا مشاور می باشیم با مکاتب مختلف روان شناسی و روان پزشکی در ارتباط هستیم. در حال

زیربناهای نظری روان شناسی اسلامی تاریخچه، راه دستیابی

دکتر سید ابوالقاسم حسینی

استاد روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) ضمن استفاده از جنبه های واقع گرایانه این مکاتب، آن ها را اصلاح، تکمیل و هماهنگ می کند.

در این جا به طور اجمال، بعضی از نظریه های ارائه شده در مورد روان و جنبه هائی که عملاً محرک اینجانب در تدوین روان شناسی اسلامی بوده اند، مطرح می شوند.

بررسی نظر دکتر تقی ارانی

دکتر تقی ارانی معتقد است "اجزای ماده در صورتی که رابطه زمانی و مکانی مخصوصی نسبت به هم پیدا کنند ذی روح می شوند و روح عبارت از همان رابطه اجزای ماده ذی روح است. هر وقت ارتباط مخصوص، تغییر شدید پیدا کند، ماده بی روح می شود و چنین به نظر می رسد که جزء مخصوصی از موجود زنده از میان رفته است" (۳).

این مؤلف چنین ادامه می دهد: "اگر اجزای ماده مانند پیچ و مهره و چرخ مضرس و غیره را به طرز مخصوص پهلوی هم قرار دهیم، ساعت یا موتور یا ماشین دیگری که خواص مخصوص دارد، می توانیم درست کنیم. ساعت کار می کند و در فواصل زمانی ثابت، فواصل مکانی مساوی را طی می کند. سر ساعت زنگ می زند، موتور حرکت می کند یا کار معلومی را منظمآ انجام می دهد. اگر تشکیلات مخصوص این ماشین را به هم بزنیم همان اجزای مادی وجود دارد. جز این که ارتباط زمانی و مکانی آن ها نسبت به هم تغییر کرده است. ساعت از کار می افتد و موتور حرکت نمی کند.

سابقاً راجع به موضوع روح، بشر در اشتباه بود و آن را موجود مخصوص می دانست. امروزه ماتریالیسم دیالکتیک، آن را در ارتباط با ماده جستجو می کند و از یک طرف ماده را مولد روح می داند. از طرف دیگر، برای روح برخلاف عقیده متافیزیک، موجودیت مخصوص قائل نیست" (۳).

دکتر سیروس عظیمی روح را به عنوان نام یکی از خدایان افسانه ای یونان قدیم که در ابتدا زندگی بشری و

حاضر ده ها مکتب روان شناسی در دانشگاه های ما تدریس می شوند که همه آن ها را می توان در دو مکتب اصلی زیر خلاصه کرد:

۱- مکتب اصالت روان

۲- مکتب مکانیستی حیات

در مکتب اصالت روان، عامل حیات به عنوان یک عامل غیر ملکولی مطرح می شود و در مکتب مکانیستی حیات این اعتقاد وجود دارد که انسان و سایر موجودهای زنده چیزی جز مجموعه های ملکولی نیستند و ملکول هوش دارد و مفهوم منطبق ملکولی را مطرح می سازند. با توجه به تعریف متداول علم. آن چه حسی است و قابل مشاهده است، علمی است و آن چه که قابل مشاهده و حسی نباشد، علمی نیست. متأسفانه منطق حاکم فعلی در جهان، مکتب مکانیستی حیات است و مکتب اصالت روان به عنوان یک منطق غیر علمی مطرح می شود.

برای موحدان جهان پذیرش نظریه مکانیستی حیات، قابل قبول نیست زیرا این مکتب به علت داشتن تناقض های آشکار غیر منطقی و غیر عقلانی است. نظریه مکانیستی حیات هم با عقل و هم با شرع در تضاد است. به منظور مبارزه با این عقیده غیر واقع بینانه که موجب به تباهی کشیده شدن جوامع بشری و سقوط آن ها شده است، لازم است از عقل و شرع هر دو استفاده شود و روان شناسی اسلامی این امر مهم را برعهده دارد.

بعضی مکاتب مدافع نظریه اصالت روان، نیز اگرچه کمک های مؤثری به فهم روان شناسی می کنند، ولی در بعضی موارد مطالب غیر واقع را به عنوان علم مطرح ساخته اند و از آن نظر که قادر به ارائه سبک و روش زندگی استاندارد برای زندگی بشر نیستند، ناقص می باشند. به عنوان مثال می توان به مکتب فروید اشاره کرد که به دستگاه روانی (psychic apparatus) اعتقاد دارد ولی بعضی از عقاید او قابل دفاع نیستند.

می کند و لی علی رغم بحث علمی مستند در این مورد چنین نتیجه می گیرد: حیات ماهیتی مادی دارد. اما خواص آن محدود به خواص ماده به شکل عامش نیست. فقط موجودات زنده دارای حیاتند. حیات شکل مخصوصی از حرکت ماده است... با دنبال کردن مسیر جریان پدید آمدن حیات نه به دست آفریننده توانا بر می خوریم و نه به شیئی که در مرحله بسیار دیرتر از تکامل ماده پدیده آمده است (۴).

دکتر نزهت آذرنیا و همکاران در کتاب بیوشیمی خود برداشت زیر را مطرح می کنند:

"کائئات از ماده (matter) و انرژی تابشی (radiation energy) تشکیل شده است. هر نوع جرم-انرژی ای (mass-energy) را که با سرعتی کمتر از سرعت نور حرکت کند، ماده و هر نوع جرم-انرژی را که با سرعت نور حرکت کند، انرژی تابشی گویند" (۱).

پورسی نظریه مکانیستی حیات

به طور کلی در توجیه فعل و انفعال های حیاتی د و نظر بیشتر وجود ندارد. در نظریه مکانیستی، ارگانیسم زنده فقط به عنوان مجموعه ای از اتم ها معرفی می شود که در ماده غیر سازمان یافته نیز موجودند و بر طبق یک الگوی خاص طرح ریزی شده اند. در نظریه اصالت حیات، نیروی حیاتی به عنوان عامل غیر شیمیایی معرفی می گردد. معتقدان به اصالت حیات (vitalist) عقیده دارند که موجودات زنده، تنها از عناصر مادی مانند اتم، مولکول و ترکیب های شیمیایی ناشی از آن ها تشکیل نشده اند. این مکتب بر وجود یک عامل یا هویت غیر مادی که به نام نیروی حیاتی (vital force : elan vital) تأکید می نماید. ارسطو (۳۲۲-۳۸۲ قبل از میلاد) به عنوان بنیانگذار این مکتب معروف شده است. پیروان نظریه مکانیستی تأکید می کنند که موجود زنده از اجزای غیر زنده تشکیل شده است و چنانچه این اجزای غیر زنده را برداریم، هیچ چیز دیگر از آن باقی نمی ماند و معتقدند که تمام قوانین فیزیک و

فناپذیر داشته و بعداً در زمره خدایان در آمده و جاودان گردیده است، معرفی می نماید و معتقد است کیفیت روح و روان نیز ناشی از این افسانه جاودانی است. این مؤلف معتقد است اعتقاد به وجود روح در تاریخ بشریت وجود داشته و در حال حاضر دلیلی برای پذیرش آن وجود ندارد و چنین می بینیم: واژه ای که به نام "روان شناسی" برای شناساندن علم مطالعه و بررسی رفتار رواج یافته، ترجمه لغت پسیکولوژی (psychology) می باشد که در اصل از دو کلمه یونانی پسیکه (psyche) به معنی روح و لوگوس (logos) به مفهوم تحقیق و بیان مشتق شده است. پسیکه مفاهیم متعدد دارد. برخی آن را به معنای روح و بعضی دیگر روان تفسیر نموده اند. این کلمه نام یکی از خدایان افسانه ای یونان قدیم بوده که در ابتدا زندگی بشری و فناپذیر داشته بعداً در زمره خدایان در آمده و جاودان گردید. کیفیت روح یا روان نیز ناشی از افسانه جاودانی پسیکه می باشد (۱۵).

این مؤلف در جای دیگر اضافه می کند:

"فقط پدیده های قابل رؤیت را می توان بررسی کرد. روان شناس نیز مانند سایر دانشمندان معتقد است تنها پدیده های قابل ملاحظه را می توان تحت بررسی و تحقیق قرار داد. این نظریه علمی، واقعیت زمانی و مکانی و کیفی و جنبه کمی ماده و یا پدیده ای را که در زمان و مکان خاصی وجود دارد در مد نظر می گیرد. از این جهت دانش روان شناسی (رفتار شناسی) با نیروهای مرموز و پنهانی و یا مربوط به ارواح ارتباطی ندارد" (۱۵).

هوش ملکولی و منطق ملکولی

دکتر شهبازی و دکتر ملک نیا در کتاب بیوشیمی خود مفهوم منطق ملکولی را برای توجیه همه فعل و انفعال های زیستی مطرح می سازند (۱۱) و اپارین مفهوم هوش ملکولی را برای این منظور انتخاب می کند (۴). اپارین مفهوم هدفداری در ارگانیسم های زنده را تحت عنوان "تضمن مقصود" به صورت گسترده ای مطرح

شیمی در تمام فرایندهای زیستی در سطح اتم و مولکول قابل پیاده شده هستند. آن‌ها با توجه به گوناگونی شگرفی که بین عناصر شیمیایی و فرایندهای حیاتی و روانی موجود زنده مشاهده می‌کنند، می‌گویند نباید معتقد بود که موجود زنده چیزی جز اتم‌ها و مولکول‌ها است، بلکه همان طور که یک ماشین بخار و یا دستگاه کامپیوتر، علاوه بر آن که از عناصر شیمیایی ساخته شده دارای طرح و شکل اختصاصی (pattern) می‌باشند، بدن موجود زنده هم از طرح‌های پیچیده بی‌شماری تشکیل شده است، ولی در مجموع تمام این طرح‌ها را صرفاً در قالب عناصر شیمیایی خلاصه می‌کنند.

دوینانسکی (Dobzhansky) در ۱۹۷۷ ضمن بررسی فوق، گرایش مکانیکی را در مورد موجود زنده به زمان دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶ میلادی) بر می‌گرداند (۲۰) که معتقد بود حیوان جز ماشینی پیچیده نیست و ازهانری برگسون (Bergson) (۱۸۵۹-۱۹۴۱) و هانس دریش (Hans Driesch) (۱۸۶۷-۱۹۴۱) به عنوان مدافعان نظریه اصالت حیات، نام می‌برد و در یک بررسی اجمالی به این نتیجه می‌رسد که در حال حاضر از زیست‌شناسان کسی از این نظر دفاع نمی‌کند. این محقق علت کنار گذاردن نظریه اصالت حیات از محدوده علم زیست‌شناسی را، عدم تطبیق آن با یک نظریه علمی می‌داند و استدلال می‌کند که چون نظریه اصالت حیات جنبه تجربی ندارد، نمی‌تواند نتایج بارور و تجربی به وجود آورد و به نظر او تمام مدارک در دسترس نشان می‌دهند که فرایندهای حیاتی بدون توسل به عامل و هویت غیر مادی قابل توجه می‌باشند (دوینانسکی، ۱۹۷۷). برداشت افراطی نظریه تقلیل‌گرایی (reductionism) به این صورت مطرح شده است که هدف نهایی علم، ایجاد یک نظریه جامع فیزیکی برای تمام علوم طبیعی و از جمله زیست‌شناسی است که در نتیجه آن بتوان به اصولی دست یافت که قدرت روشن کردن تمام مشاهدات پدیده‌های طبیعی را داشته باشند (۲۰).

پیشرفت‌های جالب توجهی که در علم زیست‌شناسی مولکولی در دهه‌های اخیر به دست آمده موجب گردیده‌اند که بعضی از محققان ادعا نمایند که تحقیقات زیست‌شناسی تنها هنگامی واقعا علمی و دارای ارزش می‌باشند که براساس یافته‌ها و توجه‌های بیوشیمی استوار باشند و در مورد عوامل سازنده و فرایندهای بیوشیمیایی صورت پذیرفته باشند. از طرفی معرفت‌شناسی (epistemology) که مسئولیت ارزیابی اعتبار علوم مختلف را به عهده دارد، در این شکل انحصار‌گرایانه نمی‌تواند عناوینی مانند سازمان (organ) گونه‌ها (Species) آگاهی (consciousness) شخصیت همکار، (mating) (personality) مناسب بودن، (Fitness) رقابت، غارتگر و سایر عنوان‌های مشابه را به طور کامل و با عنوان‌های فیزیکی شیمیایی توجه نماید. به علاوه در فیزیک و شیمی فرضیه و روش ارزیابی که به آن وسیله بتوان قوانین زیست‌شناسی را به طور منطقی استخراج کرد، وجود ندارد (۲۰). باید توجه داشت که در حال حاضر دو برداشت فوق‌مورد توجه وسیعی قرار گرفته‌اند و در سایت‌های اینترنتی تا تاریخ تجدید نظر این مقاله (مهر ماه ۱۳۸۲) در مورد نظریه اصالت روان (vitalism) ۹۰۱۰ سایت اینترنتی و در مورد نظریه مکانیستی حیات ۱۲۲۰۰۰ سایت اینترنتی وجود دارد و در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که مطالب مطرح شده در مورد نظریه مکانیستی حیات با واقعیت وفق نمی‌دهند و طرح آن، به عنوان "علم" قابل قبول نیست و لازم است انتقادهای منطقی مطرح شوند و زمینه برای شکوفایی استعداد دانشجویان فراهم آید. اینجانب در کتاب بررسی مقدماتی روان‌شناسی اسلامی با تفصیل نسبی به جنبه‌های فوق‌پاسخ‌گفته ام (۵) و در این جا فقط یکی از پاسخ‌ها که به نظر می‌رسد به تنهایی کافی باشد، مطرح می‌شود:

به طور کلی در مورد پذیرش روان‌دو نظریه بیشتر وجود ندارد:

۱- پذیرش روان به عنوان یک موجود

غیر فیزیکی.

۲- پذیرش روان به عنوان نتیجه

فعالیت فیزیکی بدن.

در صورت پذیرش نظریه اول، مطلبی که نیاز به اثبات یا رد داشته باشد باقی نمی ماند و در صورتی که کسی به نظریه دوم معتقد باشد، می توان نظر او را به صورت زیر خلاصه نمود:

الف- از نظر علمی و تجربی ملاحظه می کنیم که عناصر صدو هفت گانه جدول مندلیف که عناصر شناخته شده مادی هستند، فاقد حیات، علم، قدرت، حکمت و اراده می باشند و در نتیجه قادر به تحرک و ایجاد حرکت و فهم و علم نیستند و قدرت انجام کار و فعالیت های گوناگون، ابداع و تصمیم گیری و ایجاد هماهنگی بین خود را ندارند.

ب- عناصر اتمی جدول مندلیف که عناصر شناخته شده فیزیکی و مادی هستند و فاقد حیات، علم، تحرک، قدرت انجام کار و فعالیت های گوناگون، ابداع، تصمیم گیری و ایجاد هماهنگی بین خود می باشند، در انسان ایجاد حیات، علم، تحرک، قدرت انجام کار و فعالیت های گوناگون، ابداع، تصمیم گیری و ایجاد هماهنگی بین عناصر مختلف فیزیکی ترکیب کننده بدن شده اند.

باتوجه به فرازهای الف و ب ملاحظه می شود که فردی که معتقد به این نظر باشد، به تناقضی آشکار مبتلا است که با واقعیت و منطق مغایرت دارد (۶).

استاد شهید مطهری معتقد است حیات و زندگی، مخلوق و اثر ماده بی جان نیست بلکه کمال و فعلیتی است که به آن اضافه می شود. ماده در ذات خود واجد حیات و زندگی نیست که آن را از خود بروز دهد بلکه فاقد آن است، استعداد و خاصیتی که در ماده برای حیات و زندگی هست خاصیت قبول و پذیرش است که در شرایط معین پیدا می شود، نه خاصیت ایجاد و دهندگی. به عبارت دیگر ماده می تواند در شرایط خاصی حیات و زندگی را بپذیرد ولی نمی تواند حیات و زندگی را ایجاد کند و بدهد (۱۸).

همچنین نکته بسیار مهمی که استاد بر آن تأکید می نماید این واقعیت است که قرآن با صراحت می گوید: حیات به دست خداست و دخالت غیر را در ایجاد حیات نفی می نماید. ولی در هیچ جای قرآن دیده نمی شود که برای اثبات این منظور به سراغ آغاز حیات انسان یا آغاز حیات سایر جانداران رفته باشد، بلکه برعکس همین نظام موجود و مشهود را به شهادت می خواند. در جای دیگر بر گفته کرسی مورسین که می گوید ماده از خود ابتکار ندارد و فقط حیات است که هر لحظه نقش های تازه و بدیع به عرصه ظهور می آورد، تأکید می نماید و چنین ادامه می دهد:

“زندگی خودبه خود نیروی است مخصوص و کمالی است علی حده و فعلیتی است علاوه که در ماده پیدا می شود و آثار و فعالیت های متنوع و علاوه خود بروز می دهد.” این استاد پژوهش های انجام شده در زیست شناسی را به عنوان وسیله ای برای تایید اصالت نیروی حیاتی قلمداد می نماید و با زیست شناسانی که در پژوهش های خود اشاره به اصالت نیروی زندگی نموده اند و آن را نیروئی جداگانه دانسته و آثار زندگی را معلول این نیرو می دانند و نه ترکیب و جمع و تفریق و تألیف بین اجزای ماده، هماهنگ می گردد (۱۸).

ثنویت و تباین روان و بدن که توسط افلاطون مطرح و به وسیله دکارت مجدداً احیا شد، از نظر این فیلسوف مسلمان قابل قبول نیست و آن را موجب سیر فقهرائی در مطالعات روان شناسی می داند. حتی نوع ارتباط بین جسم و روان که در تعبیرات ارسطو تحت عنوان صورت و ماده تلقی شده است از نظر این دانشمند اسلامی کافی نیست و ارتباط بسیار طبیعی تر و جوهری تر بین این دو قائل است که همان طور که گذشت، بهترین مکان برای بررسی این نمود را در مطالعات زیست شناسی می یابد و لامارک را تخطئه می کند که گمان کرده بود اگر نیروی زندگی اصالت داشته باشد می بایست باعلل فیزیکی و شیمیایی “بستگی” نداشته باشد (۱۹).

مطرح بودن علم النفس در علوم اسلامی

در طی قرن‌های متمادی علم النفس اسلامی مطرح بوده است. بدیهی است ترجمه فارسی علم النفس اسلامی همان روان‌شناسی اسلامی است. بنابراین باید گفت روان‌شناسی اسلامی کار جدیدی نیست بلکه تأکید و احیای یک مکتب قدیمی روان‌شناسی است که عملاً از محدوده روان‌شناسی خارج شده است.

مجموعه آموزش‌های اسلامی راجع به روان را در کجا باید قرار دهیم؟

در بررسی آموزش‌های اسلامی، آموزش‌های بسیار وسیعی در مورد روان‌شناسی مشاهده می‌کنیم. در پاسخ به سؤال فوق باید گفت مکتب روان‌شناسی اسلامی شالوده بسیار خوبی برای جذب و به کارگیری این آموزش‌ها می‌باشد.

برخورد با جنبه‌های فوق که جزئی از مشکلات مطرح شده در زمینه روان‌شناسی می‌باشد، نگارنده را برآن داشت تا سعی کند اولاً به میزان لازم نسبت به جواب‌گویی به عقاید غیر واقع‌بینانه اقدام نماید. در ضمن این حل برای نیازهای مطرح شده اقدام نماید. در ضمن این بررسی‌ها که از سال ۱۳۴۴ یعنی زمان شروع دوره دستیاری روان‌پزشکی شروع و تاکنون ادامه دارد، به این نتیجه رسیدیم که در حقیقت مطالب غیر واقع‌بینانه مطرح شده فوق، زمینه خوبی برای دست‌یابی به تفکر واقع‌بینانه می‌باشند. علی (ع) می‌گوید: "انکم لن تعرفوا الرشده حتی تعرفوا الذی ترکه"، یعنی شما هرگز رشد (راه درست) را نخواهید شناخت تا با کسی که آن را ترک کرده است مواجه شوید (۲).

از طرف دیگر با توجه به مطالعات اجمالی در مکتب اسلام بعد از اتمام تحصیلات پزشکی به این نتیجه رسیدیم که در این مکتب، آموزش‌هایی وجود دارد که می‌تواند به بهداشت روانی کمک کند و با مشورت با استاد فقید محمدتقی جعفری، ایشان انتخاب رشته روان‌پزشکی را

به این ترتیب می‌توان گفت که ثنویتی (Dualism) بین روان و عناصر جدول مندلیف که سازنده بدن هستند وجود دارد و بین سازمان بدنی در حال میات و روان ثنویتی نیست، زیرا (لذگی انسان و کلیه فعالیت‌های او با وجود روان می‌باشد و بدون وجود روان که جنبه میاتی موهوم (نده می‌باشد، فعالیت، حرکت و هیچ‌گونه آثار میاتی قابل تصور نیست).

باید توجه داشت که روان خود یک واقعیت است که دارای انرژی و حرکت می‌باشد، منتهی ماهیت آن با ماهیت عناصر شیمیائی متفاوت است. وقتی مشاهده می‌نمائیم که در متون اسلامی در مورد خداوند نیز امکان اطلاق شئی وجود دارد، به طریق اولی اطلاق شئی در مورد روان نیز صادق می‌باشد (۱۴).

بنابراین، حداکثر ادعای روان‌شناسی الهی این است که

روان از جنس عناصر مادی نیست ولی خود یک شئی و واقعیت و دارای انرژی و حرکت می‌باشد که تمام آثار حیات ناشی از آن می‌باشد.

چگونگی ارتباط مکاتب روان‌شناسی با یکدیگر

نکته دیگری که باید به آن پرداخت، ارتباط مکاتب روان‌شناسی با یکدیگر است. در ضمن تدریس مکاتب روان‌شناسی، به مکاتب مختلف اشاره می‌شود ولی ارتباط آن‌ها با یکدیگر به هیچ وجه برای دانشجوی روشن نیست و این مشکل خود، نیاز به ارائه راه حل اختصاصی دارد (۸).

شناخت خویشی خویش

اینک مفهوم "مهارت‌های زندگی" (Skills of life) در بعد وسیعی مطرح می‌شود و شناخت خویشی خویش یکی از اصول مطرح شده در آن می‌باشد. با نفی روان‌انسان به عنوان یک عامل غیر شیمیائی، معلوم نیست که در کدام رشته روان‌شناسی و در کجا دانشجویان و سایر مردم می‌توانند این نیاز را برآورده سازند و در مورد زمینه راه‌یابی به خویشی خویش، اطلاعاتی را دریافت نمایند.

۳- مکتب اسلام علاوه بر این که یک دین است، می تواند به عنوان یک مکتب روان شناسی با روی کرد خاص مطرح شود.

۴- روی کرد اصلی مکتب روان شناسی اسلامی، واقع گرایی است. بنابراین می توان "مکتب روان شناسی واقع گرایانه" را به عنوان مرادف "مکتب روان شناسی اسلامی" به کار برد.

۵- مکتب روان شناسی اسلامی یک مکتب علمی است. مفهوم علمی از دیدگاه اسلام با معنای واقع گرایی مطرح می شود و شامل جنبه حسی و عقلانی هر دو می گردد.

۶- مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) می تواند و باید به عنوان مکتب معیار روان شناسی و ایجاد کننده هماهنگی بین تمام مکاتب روان شناسی مورد استفاده قرار گیرد.

۷- تمام آموزش های اسلامی برای شکوفائی فطرت و کنترل شهوت می باشند.

دفاع از پیش فرض اول

تعریف نظریه علمی براساس تأکید بر علمی بودن آنچه حسی است و غیر علمی بودن برداشت های عقلانی قابل دفاع نیست و باید این تعریف اصلاح شود. علم هم شامل جنبه های حسی و هم جنبه های عقلانی می باشد.

اینجانب طی مقاله ای تحت عنوان "بررسی علمی بودن روان شناسی اسلامی" استدلال هائی را ذکر نموده ام (۶) که از تکرار آن ها در این جا خودداری می کنم.

استاد علامه طباطبائی همین مفهوم را با پنج دلیل منطقی اثبات می کند که اینجانب در همان مقاله آن را خلاصه نموده ام.

امام خمینی (رض) تفاوت بین جهان بینی مادی و الهی را به صورت زیر خلاصه می نماید:

"مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را حس دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی دانند. قهرا جهان غیب مانند وجود

برای من یک تکلیف شرعی دانستند و در نتیجه، آن را شروع نمودم و به خواست خدای حدود ۴۰ سال ضمن تدوین اجمالی نقطه نظرهای اسلام در مورد معیارهای بیماری و سلامت روان، بهداشت روانی خانواده و ازدواج، بهداشت روانی کودک، بهداشت روانی آموزش و پرورش، (۸) چهل قانون اساسی را برای دست یابی به زندگی سالم براساس آموزش های اسلامی کشف نمودم. (۷) پس از این موفقیت، این سؤال برای من مطرح شد که آیا مطالب جمع آوری شده، مطالب پراکنده ای هستند و یا از یک روان شناسی خاص پیروی می کنند. در ضمن بحث های متممادی که ابتدا با آقای دکتر محمدرضاخالصی دکترای روان شناسی بالینی داشتم، و به مدت ۱/۵ سال طول کشید (۲-۱۳۶۱)، مطالب را در جمع اساتید دانشکده علوم تربیتی و الهیات مشهد مطرح ساختم و در یک جمع ۱۲ نفری در مدت حدود ۲ سال، توفیق یافتیم که ضمن تأیید وجود مکتب روان شناسی اسلامی، اولین همایش روان شناسی اسلامی را در سال ۱۳۶۲ در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار کنیم و متعاقب آن اولین چاپ بررسی مقدماتی روان شناسی اسلامی در سال ۱۳۶۴ منتشر شد (۵) و بعداً طیف گسترده تری یافت.

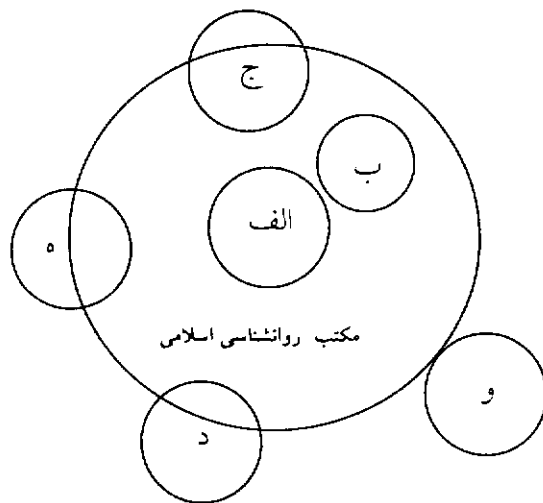
پیش فرض ها

۱- تعریف نظریه علمی براساس تأکید بر علمی بودن آنچه حسی است و غیر علمی بودن برداشت های عقلانی قابل دفاع نیست و باید این تعریف اصلاح شود. علم هم شامل جنبه های حسی و هم جنبه های عقلانی می باشد.

۲- بین روان شناسی و مکتب اسلام (مکتب توحید شامل همه ادیان توحیدی)، ارتباط وجود دارد که می تواند به نام مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) نام گذاری شود. این مکتب، زمینه خوبی برای کارهای مشترک علمی و گفتگو بین تمام ادیان الهی است.

عوامل فرهنگی نسبت به سایر جنبه‌ها احاطه دارند و لازم است تمام جنبه‌های مربوط به انسان مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

با توجه به تعریف روان‌شناسی اسلامی که با مفهوم واقع‌گرایی مترادف است، بیان دیگر فرضیه فوق این است که «بین روان‌شناسی و واقع‌گرایی ارتباط وجود دارد که این برداشت بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد و به نظر می‌رسد دیاگرام شماره ۱ ارتباط بین روان‌شناسی اسلامی و سایر مکاتب روان‌شناسی را به خوبی بیان کند. تفصیل دیاگرام در مقاله‌ای تحت عنوان «مکتب روان‌شناسی اسلامی (الهی)» به عنوان مکتب روان‌شناسی واقع‌بینانه و معیار» مطرح شده است (۸). چنانچه در دیاگرام مزبور مشاهده می‌شود مکتب‌های روان‌شناسی الف و ب به طور کامل و مکتب‌های روان‌شناسی «ج»، «د» و «ه» به درجات مختلف مورد پذیرش مکتب روان‌شناسی معیار واقع می‌شود و در داخل آن قرار می‌گیرند. به ندرت ممکن است یک مکتب روان‌شناسی به هیچ وجه با مکتب روان‌شناسی معیار تطابق نداشته باشد و هیچ کدام از نقطه نظرهای آن مورد قبول قرار نگیرند (مکتب روان‌شناسی «و»).



دیاگرام شماره ۱ - ارتباط مکتب روان‌شناسی الهی با سایر مکاتب روان‌شناسی

خداوند تعالی، وحی، نبوت و قیامت را یک سره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از حس و عقل می‌باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد می‌تواند موجود باشد و همان طور که موجود مادی به مجرد استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است" (۱۰).

در صورتی که استدلال‌های فوق در این زمینه حاکم شوند و ما بتوانیم علم را شامل برداشت‌های حسی و عقلانی هردو بدانیم مشکل حل می‌شود ولی چنانچه در این زمینه مقاومت‌هایی وجود داشته باشد و تنها حسی بودن جنبه‌های مختلف معیار علمی بودن باشد، ما در داشتن مشکل با تمام نظریه‌هایی که از اصالت روان‌دفاع می‌کنند مشترک هستیم. ما در حال حاضر مکاتب روان‌شناسی فروید، آدلر، یونگ، مزلو، پیازه و مکاتبی از این قبیل را که جنبه‌های روانی و ذهنی را به عنوان یک واقعیت در مکاتب خود به کار برده‌اند تدریس می‌کنیم. مکتب روان‌شناسی اسلامی هم می‌تواند مانند یک مکتب روان‌شناسی عادی مطرح شود و مباحثه‌های علمی ادامه یابند تا واقعیت و ارتباط بین مکاتب بهتر روشن شود.

دفاع از پیش فرض دوم

بر اساس این اصل بین روان‌شناسی و مکتب اسلام (مکتب توحید شامل همه ادیان توحیدی) ارتباط وجود دارد که می‌تواند و باید تحت عنوان مکتب روان‌شناسی اسلامی (الهی) مطرح شود. این مکتب زمینه خوبی برای کارهای مشترک علمی و گفتگو بین تمام ادیان الهی است. در حال حاضر تفکر سیستمی و نظریه سیستم‌ها به عنوان واقعی‌ترین تفکر علمی در مجامع علمی ما مطرح است و این واقعیت که بین مذهب و روان‌شناسی ارتباط وجود دارد به عنوان یک برداشت پذیرفته شده تثبیت شده است و نیاز به استدلال جدیدی ندارد. بر اساس نظریه سیستم‌ها،

دفاع از پیش فرض سوم

مکتب اسلام علاوه بر این که یک دین است می تواند به عنوان یک مکتب روان شناسی با روی کرد خاص باشد. علامه طباطبائی (ره) کلیه دستورات دینی را به منظور راهی برای پرداختن و اشتغال به امر نفس می داند و معتقد است که انسان به طور فطری احساس می نماید که انجام واجبات و ترک محرمات به منظور انتفاع نفس و تربیت آن می باشد.

امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر ذاتی بودن فطرت، معتقد است که همه افراد بشر بر فطرت الله آفریده شده اند و همه نفوس بشری از خرد و کلان علاقمندند که دارای کمالی بدون نقص و خیری بدون شر و نوری بدون ظلمت و علمی بدون جهل و قدرتی بدون عجز باشند.

محقق نامبرده چنین ادامه می دهد که "به تبعیت این فطرت عشق به کمال فطرت دیگری در نهاد آدمی است و آن عبارت است از فطرت انزجار از نقص، هرگونه نقصی که فرض شود. پس خدای تعالی با لطف و عنایتش این دو فطرت را در انسان نهاد. یکی اصلی و دیگری تبعی. فطرت اصلی عبارت است از عشق به کمال مطلق و فطرت تبعی عبارت است از فطرت انزجار و تنفر از نقص" (۹).

امام خمینی (رض) بالاخره بر جریان های متضادی که در مقابل فطرت قرار گرفته و موجب محجوب ساختن آن می گردند اشاره می نماید و اعزام پیامبران الهی را براساس بشارت و انذار به منظور از بین بردن حجاب ها و کمک به بشر در مسیر به سوی کمال تلقی می نماید و احکام آن ها را موافق با فطرت می داند و چنین می بینیم: "بعضی از آموزش های پیامبران الهی مانند توحید، مستقیماً مورد پذیرش فطرت اصلی می باشند و بعضی دیگر مانند احکام عملی با توجیه و بررسی کلی مورد پذیرش فطرت اصلی قرار می گیرند. دسته ای از احکام پیامبران الهی که به صورت نهی از کفر و کارهای زشت صادر گردیده اند، برطبق مقتضیات فطرت تبعی می باشند و در مجموع تمام احکام الهی با مقتضیات فطرت مطابق و مربوط به آن می

باشند و در نتیجه حجاب هائی را که مانع رشد می گردند از بین برده و فطرت را تقویت و انسان را در مسیر رشد به حرکت وا می دارند. پس کلیه تکالیف دینی همه الطاف الهی و داروهای ربانی برای درمان روان های بیمار و دل های ناخوش می باشند و پیامبران الهی اطباء نفوس و مربیان ارواح اند که آن ها را از تاریکی ها به نور واز نقص به کمال برسانند" (۹).

علی (ع) علت بعثت پیامبران الهی را شکوفائی و احیای عقلانی معرفی می کند (۱۷).

براساس استدلال های فوق به نظر می رسد این پیش فرض نیز بدیهی و فطری است و می تواند به عنوان یک اصل پذیرفته شود. زیرا وقتی ما یک دستگاه الکترونیکی را تهیه می کنیم، بلافاصله دستورالعمل استفاده از آن را از فروشنده درخواست می نمایم. با یک برداشت واقع بینانه، می توانیم به این نتیجه برسیم که دستورالعمل استاندارد زندگی سالم را باید از خداوند (آفریننده انسان) درخواست کنیم.

او جل و علا بدون درخواست، این دستورالعمل را در اختیار ما گذاشته است. از طریق مطالعه و تدبر در آخرین دستورالعمل زندگی سالم (قرآن مجید) که به شکل دست نخورده ای به آن دسترسی داریم، لازم است پیام های اصلی آن را کشف و در تمام مشکلات فردی و اجتماعی خود مورد استفاده قرار دهیم (۷).

دفاع از پیش فرض چهارم

روی کرد اصلی مکتب روان شناسی اسلامی واقع گرایی است. بنابراین می توان "مکتب روان شناسی واقع گرایانه" را به عنوان مرادف "مکتب روان شناسی اسلامی" به کار برد.

پیامبر اسلام (ص) روش بررسی های علمی را به زبان دعا به صورت زیر مطرح می کند: « رب ارننا الاشیاء كما هی» یعنی خداوندا اشیاء را چنان که هستند به من بنمایان. بر اساس رهنمود فوق در تمام علوم و از جمله روان

صادق (ع) می فرماید: «الحکمة لیس بشیئین انما هوشن
واحد فمن نطق فیما لیس فیه اختلاف فحکمه حکم الله و
من نطق فیما فیه اختلاف فحکمه حکم الطاغوت.» یعنی
 حکمت دو چیز نیست بلکه فقط یک چیز است اگر کسی
 مطلبی را بگوید که در آن اختلاف (با واقعیت) وجود
 نداشته باشد حکم او حکم خداست است و اگر مطلبی را
 بگوید که در آن (با واقعیت) اختلاف باشد حکم او حکم
 طاغوت است.

بنابراین، باید توجه داشت که واقعیت یکی بیش نیست و
 نهایت کوشش برای دست یابی به آن باید به کار رود.

دفاع از پیش فرض هفتم

تمام آموزش های اسلامی برای شکوفائی فطرت و
 کنترل شهوت می باشند.
 دفاع از فرضیه فوق در ضمن دفاع از فرضیه سوم مطرح
 شد و نیاز به تکرار ندارد.

براساس این اصل لازم است بر این واقعیت تأکید شود
 که تنها مکتب روان شناسی در جهان که برای پیاده کردن
 اهداف و نظریه های خود، برنامه، قانون و ضمانت اجرایی
 دارد، مکتب روان شناسی الهی (اسلامی) است. این مکتب
 در ابعاد وسیع یعنی در تمام جوامع بشری از ابتدای خلقت
 تا آخرین لحظه ای که انسان بر روی زمین زندگی می کند،
 به طور مستمر برنامه های خود را پیاده کرده و خواهد کرد
 و نتایج آن تا ابدالابد قابل لمس خواهد بود.

روش بررسی

مراجعه به سرچشمه

علی (ع) در ضمن یک آموزش کلی دستورالعمل زیر را
 صادر می کند: «وامتأحو من صفوعین قدر وقت من الکردر»
 یعنی آب را از سرچشمه که تیره و آلوده نیست بکشید.
 فیض الاسلام منظور ایشان را به صورت زیر مطرح کرده
 است: «علوم و معارف را از سرچشمه آن بیاموزید».

شناسی ما موظف هستیم، روش هایی را انتخاب کنیم که
 واقعیت و حقایق مربوط به آن علم را کشف کنند. بنابراین
 روان شناسی اسلامی یعنی کشف واقعیت ها و حقایق
 مربوط به سازمان روانی و رفتار انسان چنان که
 هستند. با این برداشت روان شناسی طبیعی
 (Natural psychology) را هم می توان معادل روان
 شناسی اسلامی به کار برد.

دفاع از پیش فرض پنجم

مکتب روان شناسی اسلامی یک مکتب علمی است.
 مضمون علمی از دیدگاه اسلام به مفهوم واقع گرایی مطرح
 می شود و شامل جنبه های حسی و عقلانی هر دو
 می شود.

این بند در مقاله بررسی علمی بودن مکتب روان شناسی
 اسلامی مورد بحث قرار گرفته است (۶) و از تکرار آن
 خودداری می کنیم.

دفاع از پیش فرض ششم

مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) می تواند و باید به
 عنوان مکتب روان شناسی معیار و هماهنگ کننده مورد
 استفاده قرار گیرد.

شکی نیست که انسان یک سازمان روانی بیشتر ندارد و
 یک مکتب واقع بینانه و همه جانبه می تواند تمام ابعاد
 طبیعی و مرضی مربوط به فعل و انفعال های روانی انسان
 را تبیین کند (دیاگرام شماره ۱). اینجانب در مقاله ای
 تحت عنوان «مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) به عنوان
 مکتب روان شناسی واقع بینانه و معیار» مطالب را با
 تفصیل نسبی مطرح کرده ام (۸). در این جا از تکرار آن
 خودداری می شود.

بر اساس تعریف روان شناسی اسلامی یعنی تلقی روان
 شناسی واقع بینانه به عنوان مرادف روان شناسی اسلامی.
 این مکتب معیار و همه جانبه، روان شناسی الهی است که
 عقل و شرع هر دو آن را تأیید می کنند. روان شناسی
 اسلامی از مصادیق حکمت است که در تعریف آن امام

صد با عقل فطری مطابقت دارند و ما به قدر بضاعت کم خود به آن دست یافته ایم و با تأیید علمای اسلام آن ها را منتشر کرده ایم صحیح می باشند. البته این برداشت هدف و ایده آل ما بوده است و مفهوم بررسی مقدماتی خود احتمال کمبود را مطرح می نماید و امیدوار هستم با همکاری همه دانشمندان حوزه و دانشگاه در سرتاسر جهان یافته های صد در صد قطعی به دست آیند.

راهکارها در تدوین این مکتب در اصول زیر خلاصه می شوند:

- ۱- نظریه عملی باید براساس واقع گرایی قرار داشته باشد.
- ۲- نظریه علمی باید از تناقض به دور باشد.
- ۳- نظریه علمی باید تمام ابعاد مربوط به موضوع تحت بررسی را تبیین نماید.
- ۴- بهترین جای مطالعه روان شناسی زیست شناسی است.
- ۵- لزوم توجه به فعل و انفعال های انسان و سایر موجودهای زنده

با به بین بست رسیدن و خلاف واقعی بودن نظریه مکانیستی حیات، راه برای تنها رقیب آن یعنی مکتب اصالت روان به عنوان یک عامل غیر مادی باز می شود که بتواند تمام فعل و انفعال های انسان و سایر موجودهای زنده را توجیه نماید.

خلاصه تئوری

- ۱- ملکولها به تنهایی قادر به ایجاد فعل و انفعال های زیستی نیستند.
- ۲- ملکولها به تنهایی قادر به ایجاد حرکت ارادی نیستند.
- ۳- ملکولها به تنهایی قادر به ایجاد هویت و شخصیت نیستند.
- ۴- ملکولها فاقد علم، شعور و آگاهی هستند و قادر به ایجاد علم، شعور و آگاهی نمی باشند.
- ۵- ایجاد تمامیت (integrity) بین ملکولها و شخصیت انسان، با ملکول تنها امکان پذیر نیست.

براین اساس، اینجانب به این نتیجه رسیدم که برای کشف زیربناهای نظری روان شناسی اسلامی به جای آن که فقط به کارهای دانشمندان اسلام مراجعه کنم سعی نمایم این اصول را از قرآن مجید و سایر آموزش های اسلامی کشف نمایم. دقیقاً روشی که برای تدوین اصول فقه به کار رفته است، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع معیار کشف زیربناهای نظری روان شناسی اسلامی می باشند. از دیدگاه شهید مطهری (ره) بهترین جای مطالعه روان شناسی زیست شناسی است. روان شناسی اسلامی از کلیه علوم زیست شناسی از جمله فیزیولوژی گیاهان، میکروب شناسی، بافت شناسی، انگل شناسی، روان شناسی جانوران، فیزیولوژی انسان، بیوشیمی، جنین شناسی بهره می برد. علاوه بر آن، با استفاده از قرآن مجید و سایر آموزش های اسلامی و کاربرد عقل و اجماع، برای نظریه پردازی مبانی نظری این مکتب و رد عقاید غیر واقع بینانه سایر مکاتب استفاده می شود. کاربرد تمام روش های متداول در علوم نیز می تواند و باید به عنوان مکمل این روش ها استفاده شوند.

اندیشه آزاد

در این مورد ضمن کاربرد اندیشه آزاد و با استفاده از اصطکاک آرا سعی کردم به رای صواب دست یابم. به این ترتیب مطالبی را که به آن بر می خوردم یا خودم به آن توجه می کردم با علمای اسلام، همکاران دانشگاهی و دانشجویان مطرح می ساختم و تا رسیدن به جواب روشن و قانع کننده این کار را ادامه می دادم و برای انتشار مطالب هم عجله ای نداشتم. بنابراین زیربناهای اعلام شده در ضمن ۳۱ سال کار مستمر به دست آمده اند که هنوز هم من آن ها را به عنوان "بررسی های مقدماتی زیربناهای نظری روان شناسی اسلامی" مطرح می کنم و از آن ها دفاع می کنم. یکی از همکاران دانشگاهی طی نامه ای به اینجانب نوشته بود که شما می گوئید آن چه من می گویم صحیح است. در حقیقت من چنین ادعائی نکرده ام، بلکه ادعای اینجانب این است "آنچه که خداوند، پیامبر اسلام و امامان معصوم (ع) در مورد روان شناسی گفته اند و صد در

۱۵- علت بروز اضطراب و سایر اختلال‌های واکنشی این است که فرد یک یا چند اصل را فرانگرفته و تپذیرفته، و یا در عمل به کار نبرده است. بنابراین مسئول روان‌درمانی برحسب مورد باید یک یا چند روش زیر را به کار برد:

- ۱- اصلی را که فرد فرانگرفته به او بیاموزد.
- ۲- اورامتقاعد کند اصلی را که نپذیرفته است بپذیرد.
- ۳- اورامتقاعد کند اصلی را که عمل نکرده است مورد استفاده قرار دهد.

۱۶- در اثر حاکمیت شهوت بر فطرت، مکانیسم‌های تضعیف‌کننده فطرت به وجود می‌آیند و به صورت یک حلقه معیوب وارد عمل می‌شوند. این مکانیسم‌ها عامل بروز جرم و سایر انحراف‌های اخلاقی می‌باشند.

۱۷- پذیرش روان به عنوان یک عامل غیر شیمیایی زمینه‌ساعدی برای پذیرش توحید می‌باشد و عدم پذیرش واقعیت فوق به طور طبیعی به انکار خداوند و معاد منجر می‌شود.

نقاط کلیدی اختصاصی

عامل حیات، فطرت، فطرت اصلی - فطرت تبعی، عقل فطری، عقل تجربی، شهوت، هوای نفس، نفس لوامه، نفس مطمئنه، نفس اماره، قلب، قلب سلیم، قلب معکوس، قلب منکوس، رشد، مکانیسم‌های تضعیف فطرت.

امکان آزمون‌سازی براساس این نظریه

امکان آزمون‌سازی براساس این نظریه کاملاً وجود دارد و لازم است متخصصان روان‌شناسی بالینی و سایر رشته‌های روان‌شناسی در این مورد اقدام نمایند. به عنوان مثال، طبقه‌بندی شخصیت به صورت انسان کنترل‌شده و انسان کنترل‌نشده و معیارهای مطرح‌شده برای هر کدام در آزمون‌سازی شخصیتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و دفاع نسبتاً مبسوط از نظریه‌های فوق که می‌توان آن‌ها را به عنوان اصول روان‌شناسی اسلامی مطرح ساخت در کتابها و مقالاتی از همین نویسنده مطرح شده‌اند. (۱۰-۵) تقسیم‌بندی عقب‌ماندگی هوشی به هوش ضعیف

۶- ایجاد روند قانون‌مداری و تداوم آن از محدوده‌های خواص فیزیکی و شیمیایی ملکول نیست.

۷- هدف‌داری (teleology) از خواص فیزیکی و شیمیایی ملکولها نیست.

۸- تمام واقعیات فوق و تمام فعل و انفعال‌هایی که ملکولها فاقد آن می‌باشند و در موجودهای زنده وجود دارند، ناشی از یک عامل علی‌حده می‌باشد که می‌توان آن را به نام "عامل حیات" نامگذاری کرد.

۹- عامل حیات را می‌توان به الکتریسته تشبیه کرد که تماس آن با ابزارهای مختلف نتایج گوناگونی به وجود می‌آورد (فعال کردن اطمو، یخچال....) ولی الکتریسته خود دارای هویت اختصاصی است.

تماس عامل حیات با ملکول، موجب پیداشدن نتایج مختلف و تمایلاتی در اورگانسیم می‌گردد که اصطلاحاً تحت عنوان "شهوت" نامیده می‌شود و نماینده‌گرایز است. عامل حیات بدون تماس با ملکول، دارای هویت اختصاصی است که با نام "فطرت" مطرح می‌شود.

۱۰- ساختار شخصیت از دو سیستم عقلانی و شهوانی تشکیل شده است. در نتیجه، سیستم شخصیتی انسان دوبعدی است و ناشی از حاکمیت فطرت یا شهوت بر او می‌باشد. و در یک مقطع خاص یا زیر حاکمیت فطرت است و یا زیر حاکمیت شهوت می‌باشد.

۱۱- سیستم عقلانی انسان از مجموع فطرت (عقل فطری) و عقل تجربی به وجود می‌آید.

۱۲- مرکز عقل تجربی در مغز است و فطرت ناشی از عامل حیات است.

۱۳- مکانیسم دوبعدی بودن جوامع بشری ناشی از حاکمیت فطرت یا شهوت در گروه‌های متشکل می‌باشد.

۱۴- مجموعه آموزش‌های اسلامی عواملی برای شکوفائی فطرت و کنترل شهوت می‌باشند. در صورتی که فرد به طور کامل در سیستم توحیدی قرار گیرد، یعنی شناخت و عواطف و رفتار خود را در این سیستم محاط کند، به زندگی سالم و حداکثر رشد دست خواهد یافت.

های زندگی و به طور کلی تمام علوم مربوط به انسان را تحت پوشش قرار می دهد. به تعبیر علی (ع) کسی که خود را بشناسد به بالاترین رتبه علم و معرفت دست یافته است.

و سفیه می تواند معیار آزمون سازی برای عقب ماندگی هوشی باشد. امکان انجام پژوهش های کیفی نیز وجود دارد.

محدوده نظریه

این نظریه تمام ابعاد مربوط به زیست شناسی گیاهی و جانوری، تمام علوم انسانی، جامعه شناسی، اخلاق، مهارت

منابع

- ۱- دکتر آذرنیا، زهت و همکاران. شیمی عمومی. مدرسه عالی پارس، ۱۳۴۷. ص ۱-۲.
 - ۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد تیمی: غرر الحکم و دررالکلم. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
 - ۳- دکتر تقی ارانی: پسیکولوژی. ص ۲۲-۲۳. (ناشر و سال انتشار ندارد)
 - ۴- آی- ای اوپارین: حیات، طبیعت و منشأ تکامل آن. انتشارات شرکت سهامی کتاب های جیبی (ترجمه هاشم بنی طرئی). ص ۵۳-۵۲.
 - ۵- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: بررسی مقدماتی روان شناسی اسلامی - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۱۳۷۳ - ص ۱۹۸-۴۰
 - ۶- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: روان شناسی اسلامی برای دانشجویان. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد ۱۳۸۰ ص ۱۲۲-۱۰۵.
 - ۷- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: اصول بهداشت روانی، بررسی مقدماتی اصول بهداشت روانی، روان درمانی و برنامه ریزی در مکتب اسلام. شرکت به نشر ۱۳۸۰ - مقدمه.
 - ۸- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: اصول بهداشت روانی ج ۱ - انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۷۷
 - ۹- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: بررسی مکتب روان شناسی اسلامی به عنوان مکتب هماهنگ کننده و معیار. فصلنامه اصول بهداشت روانی ۱۳۷۹، شماره ۶-۵، ص ۱۲-۱.
 - ۱۰- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: بررسی مکتب روان شناسی اسلامی به عنوان مکتب روان شناسی واقع بینانه، معیار و هماهنگ کننده و لزوم آشنائی دانشجویان با آن. فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال دوم. شماره ۶-۵ ص ۱۰-۱
 - ۱۱- دکتر سید ابوالقاسم حسینی. مکانیسم بروز اضطراب از دیدگاه روان شناسی اسلامی فصلنامه اصول بهداشت روانی سال دوم. شماره ۸-۷ ص ۶۴-۵۸
 - ۱۲- دکتر سید ابوالقاسم حسینی: مکانیسم های تضعیف فطرت و نقش آن ها در وقوع جرم و انحراف های اخلاقی. فصلنامه اصول بهداشت روانی سال سوم. شماره ۱۰-۹ ص ۲۶-۱.
 - ۱۳- امام خمینی (رض): طلب و اراده. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (ترجمه سیداحمد فهری) ۱۳۶۳، ص ۷-۱۵۳.
 - ۱۴- امام خمینی (رض): پیام به گورباچف رهبر شوروی سابق.
 - ۱۵- پرویز شهبازی، ناصر ملک نیا: بیوشیمی عمومی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۲. ص ۲۸۴-۲۸۲.
 - ۱۶- طربزی: مجمع البحرین. چاپ سنگی ۱۳۲۹ هـ.ش. ماده حکم ص ۵۳۴.
 - ۱۷- علامه سید محمدحسین طباطبائی: تفسیر المیزان. انتشارات محمدی (ترجمه ناصر مکارم). سال انتشار ندارد. ج ۱۱ ص ۳۱۶.
 - ۱۸- کلینی: اصول کافی. انتشارات اسلامیة (ترجمه مصطفوی) ج ۱ ص ۱۰۹.
 - ۱۹- دکتر سیروس عظیمی: اصول روان شناسی عمومی. انتشارات دهخدا. چاپ دوم ۱۳۴۹. ص ۱۷.
 - ۲۰- دکتر احمد علی آبادی: طریقه فکر و تحقیق. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۶. ص ۱۴-۱۳.
 - ۲۱- فیض الاسلام: شرح و تفسیر نهج البلاغه. ج ۱ ص ۲۴.
 - ۲۲- استاد مطهری، مرتضی: مجموعه مقالات. انتشارات جهان آرا. ص ۱۲۳-۱۰۵
 - ۲۳- استاد مطهری: اصالت روح ص ۲۲-۱۱
21. Dobzhansky: the Evolution. Philosophical Issues. 1977. Pp. 474-493.